

ی داد و ناسزای کنت هر چند ویرانصحت کردیم سود نداشت و ی را
پیش یکی از حکام که راه ما بروی بود بر دیم کنت ویرایش ما بگذارد
و بروی ویرا بگذاریم و برقیم چون زمانی برآمد دیدیم که از عقب
ی آید آن حاکم ویرا جانده پوشت نیده و اسبی داده چون ما رسیدیم آغاز
شمارت کرد و کنت چون دیدیدای دشمنان خدا کنتیم با ما سزای کنت و ی
در یک جانب راه ی رفت و ما در جانب دیگر نگاه از راه بیرون رفت
و بقفا حاجت نبشت دیدیم که جاعتی زبوران بر وجه حاکم که نازنا
مدکاری خواست خواستیم که ویرا خلاص کنیم زبوران بر ما حاکم کرد
ما باز کنتیم روی آوردند و کوشت و پوشت ویرا تمام بکنند
چنانکه استخوانهای وی سفیدی درخشید ما فریاد بر دیم کنتیم کنت
از بی تیم که تر که ابو حیان را جمع کند و سم وی آورده است از یکی از
سلف کنت است را مسامیه بود که ابو بکر و عمر را رضی الله عنهما ناسزا
ی کنت یک شب رسول را صلی الله علیه و سلم در خواب دیدیم که ابو بکر
دست راست وی بود و بر دست چپ وی کنتیم یا رسول الله مسامیه
دارم که مرا ای دای کذ در شان این دو مرد رسول صلی الله علیه و سلم ناسزا
کنت که برو و مسامیه ویرا کنتی چون با ما داشتند با خود کنتیم بروم و ویرا
چهر کنتیم از آنچه دیده ام چون بمحله وی در آمدم از سرای خویش دو لاله
ی آمد حال وی بر رسیدیم کنتیم در دوش کسی بروی در آمده است و ویرا
کنتیم و سم وی آورده است که یکی از اهل بصره کنتیم است که یکی از بزرگان

رسند ؟

اهواز

اهواز ناسزای فرود آمدیم بودم را کنتیم که وی را فطنتی است و ابو بکر و عمر را
رضی الله عنهما بیدی دگری کنتیم چون آمد شد من بوی بسیار شد یکدیگر
پیش وی بودم ناگاه نسبت با ایشان سخنان ناخوشی کنتیم آغاز کرد
از پیش وی بسیار دشمنم و مخزون بر فاستم و آن شب فطرا کنتیم سر را
صلی الله علیه و سلم در خواب دیدیم کنتیم یا نبی الله فلان کس را ی سزای کنتیم کرد
شان ابو بکر و عمر چه ی گوید فرمود که آن ترا بدی آید کنتیم بلی یسیرل
الله کنتیم برو و ویرا پیش می آر دتم و ویرا آوردیم کنتیم ویرا بخوابان
نحو ابانیدم کار دی بمن داد و کنتیم ویرا کنتیم یا رسول الله ویرا
بکنتیم سه بار از وی این سوال کردم زیرا که کنتیم پیش می آر می غلیم
ی نمود با سیم کنتیم وای بر تو کنتیم ویرا کنتیم چون با ما داشتند کنتیم
پیش آن حیث روم و از آنش چهر کنتیم چون بمحله وی رسیدیم از خانه وی
فریاد و ناسزای ی کنتیم چه بوده است کنتیم دوش فلان کس را
بر پستیم وی کنتیم یا قد اند کنتیم و الله کمن ویرا کنتیم ام با هر رسول صلی
الله علیه و سلم چون پیروی از او است کنتیم تو مال خود بستان و ویرا
بگذارد که ویرا در زلفا که بهمان کنتیم مال خود بستیم و برقیم و سم وی
آورده است که یکی از سلف کنتیم است که من در کودکی محله داشتیم که را
بمذهب و افض دلالت می کرد و من ابو بکر و عمر را ناسزای کنتیم سزای
در خواب دیدیم که قیامت قائم شده است و عمر و مان روی بحضرت
رسالت صلی الله علیه و سلم نماند اند ناکار دیدیم که رسول صلی الله علیه و سلم